

پرسش ۱۳۷: معنای این حدیث چیست؟ فاطمه (علیها السلام) همان شب قدر است.

سؤال / ۱۳۷: ورد في تفسير سورة القدر أن فاطمة (عليها السلام) هي ليلة القدر ([173])، فما معنى هذا الحديث عنهم (عليهم السلام)؟

در تفسیر سوره‌ی قدر وارد شده که شب قدر، حضرت فاطمه (علیها السلام) است. ([174])
معنای این حدیث از معصومین (علیهم السلام) چیست؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين

قدمت في سورة الفاتحة ([175])، وفي المتشابهات ([176]) فيما سبق أن فاطمة (عليها السلام) هي باطن باب المدينة، وظاهر الباب هو علي (عليه السلام)، والمدينة محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، في مقابل الأسماء الثلاثة: (الرحيم، الرحمن، الله)، فهم صلوات الله عليهم أركان الهدى الثلاثة وتجلي أركان الاسم الأعظم الثلاثة: الله، الرحمن، الرحيم.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

در کتاب تفسیر سوره‌ی فاتحه ([177]) و در متشابهات ([178]) در آنچه گذشت بیان داشتیم که حضرت فاطمه (علیها السلام) باطن و درون دروازه‌ی شهر است و بیرون آن، حضرت علی (علیه السلام) و شهر، حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) می باشد؛ در مقابل اسم‌های سه‌گانه‌ی: الرحيم، الرحمن و الله. آنها که سلام و صلوات خداوند بر آنها باد، ارکان سه‌گانه‌ی هدایت و تجلی ارکان سه‌گانه‌ی اسم اعظم اند: الله، الرحمن و الرحيم.

والعلم كله في المدينة، فإذا أُريد إنزاله فمن الباب، وفي باطن الباب أولاً، ثم من ظاهر الباب إلى الخلق ([179])، وباطن الباب فاطمة صلوات الله عليها فالنزل فيها، وهي وعاء العلم الباطن، وفيها نزل العلم وما في المدينة (رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم) أو القرآن، وكما بيّنت سابقاً في المتشابهات، فراجع ([180]).

و علم، جملگی در شهر است؛ پس هرگاه فرود آمدن آن خواسته شود، باید از باب و دروازه صورت گیرد، و در ابتدا از باطن دروازه و سپس از ظاهر آن به سمت خلق نازل شود. ([181]) باطن دروازه، حضرت فاطمه که صلوات خدا بر او باد است، پس نازل شدن در او می باشد و آن حضرت، ظرف علم باطن است و علم و آنچه در شهر است (پیامبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم) یا قرآن) در او نازل شده است، همان طور که پیش تر در متشابهات بیان نموده ام، به آن مراجعه نمایید. ([182])

فالقرآن ينزل في ليلة القدر، والقرآن ينزل في فاطمة، وليلة القدر هي فاطمة وكما قالوا (عليهم السلام): (نحن حجج الله وفاطمة حجة الله علينا) ([183])، وكما قال (صلى الله عليه وآله وسلم): (فاطمة أم أبيها) ([184])، والأم وعاء، وفاطمة (أو باطن الباب) هي الوعاء الذي ينزل فيه القرآن، والقرآن محمد (صلى الله عليه وآله وسلم).

قرآن، در شب قدر نازل می شود و قرآن در فاطمه (علیها السلام) نازل می شود و شب قدر همان فاطمه (علیها السلام) است و همان طور که معصومین (علیهم السلام) فرموده اند «ما حجت های خدایم و فاطمه (علیها السلام) حجت خدا بر ما است» ([185]) و همان گونه که پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: «فاطمه، مادر پدرش است» ([186]) و مادر، ظرف است و فاطمه (یا باطن دروازه) همان ظرفی است که قرآن در آن نازل می شود و قرآن، محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) می باشد.

وهذا هو المعنى الباطن الثاني لهذا الحديث، عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عن الله في الحديث القدسي: (لولاك لما خلقت الأفلاك، ولولا علي لما خلقتك، ولولا فاطمة لما خلقتكما) ([187]).

و این معنای دوم باطن برای این حدیث است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث قدسی از قول خداوند می‌فرماید: (لولاک لما خلقت الافلاک، و لو لا علی لما خلقتک، و لو لا فاطمه لما خلقتکما) ([188]) (اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی‌کردیم و اگر علی نبود، تو را و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را).

وفاطمة (عليها السلام) هي وعاء نزول القرآن، فهي باطن باب المدينة الذي يفاض منه على الخلق، فوجودها ضرورة وبفقدانها لا يستقيم نظام الخلق لأنها ركن من الأركان الثلاثة، فهي وعاء نزول القرآن.

و فاطمه (عليها السلام) همان ظرف نزول قرآن است و آن حضرت، باطن دروازه‌ی شهری است که از آن بر خلق افاضه می‌شود. بنابراین وجود آن حضرت ضروری است و با نبودن ایشان نظام آفرینش راست نمی‌گردد؛ چرا که او یکی از ارکان سه‌گانه است، پس او ظرف نزول قرآن می‌باشد.



[173] - عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: ("إنا أنزلناه في ليلة القدر" الليلة: فاطمة، والقدر: الله، فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد أدرك ليلة القدر، وإنما سميت فاطمة لأن الخلق فطموا عن معرفتها) بحار الأنوار: ج 43 ص 65، عن تفسير فرات الكوفي.

[174] - از ابا عبد الله ع روایت شده است که فرمود: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ): لَيْلَةَ: فاطمه و الْقَدْرُ: الله؛ پس اگر کسی فاطمه را آن گونه که حق شناختنش است بشناسد، شب قدر را درک کرده، و او فقط به این دلیل فاطمه نامیده شده است که خلق، شناخت و معرفتش را ترک گفته‌اند». بحار الانوار: ج 43 ص 65 از تفسیر فرات کوفی.

[175] - شيء من تفسير الفاتحة / اضاءة على أسمائه سبحانه .

[176] - المتشابهات : ج 1 / سؤال رقم (8) وموارد أخرى أيضاً .

[177] - گزیده‌ای از تفسیر سوره‌ی فاتحه: روشنگری از اسم‌های او سبحان.

[178]- متشابهات: ج 1 پرسش 8 و همچنین سایر موارد.

[179]- عن هاشم بن أبي عمارة الجنبي، قال: سمعت أمير المؤمنين (عليه السلام) يقول: (أنا عين الله، وأنا يد الله، وأنا

جنب الله، وأنا باب الله) الكافي: ج 1 ص 145.

[180]- هنا يسوق السيد (عليه السلام) معنى جديداً للحديث الشريف، والمعنى الأول لحديث: (لولاك لما خلقت الأفلاك

...) تقدم ذكره في المتشابهات: ج 1 / سؤال رقم (8).

[181]- از هاشم بن ابو عماره‌ی جنبی روایت شده است: شنیدم امیرالمؤمنین ع می فرماید: «من چشم خدا هستم، و من

دست خدا هستم، و من جنب خدا هستم، و من دروازه‌ی خدا هستم». کافی: ج 1 ص 145.

[182]- در اینجا سید احمدالحسن (علیه السلام) معنایی جدید برای حدیث شریف و معنای اول حدیث «اگر تو نبودی،

افلاک را خلق نمی‌کردم...» که در کتاب متشابهات: ج 1 پرسش شماره‌ی 8 بیان شد، مطرح می‌فرماید.

[183]- الأسرار الفاطمية للشيخ محمد فاضل المسعودي: ص 69، نقلاً عن تفسير (أطيب البيان).

[184]- كشف الغمة في معرفة الأئمة: ص 90.

[185]- اسرار فاطمیه - شیخ محمد فاضل مسعودی: ص 69 نقل شده از تفسیر اُطیب البیان.

[186]- كشف الغمة في معرفة الأئمة: ص 90.

[187]- مستدرک سفینه البحار: ج 3 ص 169، عن کتاب (ضیاء العالمین) للشیخ ابي الحسن جد الشیخ محمد حسن صاحب

الجواهر.

[188]- مستدرک سفینه البحار: ج 3 ص 169 از کتاب «ضیاء العالمین» از شیخ ابو الحسن جد شیخ محمد حسن صاحب

جواهر.